

مجله علوم تربیتی و روانشناسی  
دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۵  
دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱  
ص ص : ۳۰-۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۹/۳۰  
تاریخ بررسی مقاله: ۸۴/۱۲/۸  
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۵/۸/۱۵

## بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دل بستگی و ویژگیهای جمعیت شناختی به عنوان پیش بینهای موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوجهای متقاضی طلاق و عادی در اهواز

دکتر حسین شکرکن\*

رضا خجسته مهر\*

دکتر یوسفعلی عطاری\*

دکتر جمال حقیقی\*

دکتر منیجه شهنی ییلاق\*

### چکیده

پژوهش حاضر ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دل بستگی و متغیرهای جمعیت شناختی را به عنوان پیش بینهای موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوجهای متقاضی طلاق و عادی در اهواز بررسی کرده است. افراد شرکت کننده در نمونه اصلی شامل ۱۲۸ زوج متقاضی طلاق و ۱۲۹ زوج عادی (جمعاً ۵۱۴ نفر) و در نمونه اعتباریابی شامل ۶۱ زوج متقاضی طلاق و ۱۰۰ زوج عادی (جمعاً ۳۲۲ نفر) بودند. در این پژوهش برای انتخاب نمونه طلاق از جامعه زوجهای متقاضی طلاق استفاده شد و برای انتخاب نمونه عادی از روش نمونه گیری چند مرحله ای تصادفی استفاده به عمل آمد. همه زوجهای نمونه های اصلی به وسیله پرسشنامه شخصیتی نشو (فرم تجدیدنظر شده)، پرسشنامه مهارتهای اجتماعی، پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) و پرسشنامه جمعیت شناختی محقق ساخته مورد سنجش قرار گرفتند. در این پژوهش برای تحلیل داده ها علاوه بر روش آمار توصیفی، روش تحلیل ممیز به کار بسته شد. نتایج به دست آمده فرضیه

\* - عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

پژوهش را تأیید کرد و نشان داد که شکست و موفقیت در رابطه زناشویی را می‌توان از روی متغیرهای ویژگیهای شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگیهای جمعیت شناختی پیش‌بینی نمود. نتایج به دست آمده و مدل ارائه شده توسط این پژوهش به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

**کلید واژگان:** ویژگیهای شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی، متغیرهای جمعیت شناختی، طلاق

### مقدمه

ارزیابیهای کلی را از ازدواج بالا می‌برند، در حالی که رفتارهای منفی یا تنبیهی مضرند (مارکمن<sup>6</sup>، استوارت<sup>7</sup>، ویلز<sup>8</sup>؛ وایس<sup>9</sup> و پترسون<sup>10</sup>، ۱۹۷۴). یکی دیگر از رویکردهای نظری بانفوذ در خصوص بازده زناشویی نظریه دلبستگی<sup>11</sup> است. بالبی<sup>12</sup> (۱۹۶۹) معتقد است که ماهیت رابطه صمیمی اول (مادر-نوزاد)، ماهیت روابط صمیمی یک فرد را در سرتاسر زندگی تعیین می‌کند. هزن و شیور<sup>13</sup> (۱۹۸۷، ۱۹۹۴) و شیور، هزن، و برادشاو<sup>14</sup> (۱۹۸۸) این اندیشه‌ها را مستقیماً در روابط بزرگسالی به کار بردند و اعتقاد داشتند که رضایت از رابطه در دوره بزرگسالی تا حد زیادی به ارضای نیازهای اساسی مربوط به آسایش، مراقبت و کامروایی جنسی بستگی

از سال ۱۹۳۸، که اولین تحقیق روی ازدواج توسط روانشناسی به نام لوئیس ترمن<sup>1</sup> منتشر شد (گاتمن<sup>2</sup>، ۱۹۹۸)، تاکنون چیزهای زیادی توسط متخصصین در مورد فرایند ازدواج و طلاق و مسیری که زن و مرد در زندگی مشترک طی می‌کنند مطرح شده است. در خصوص پیش‌بینیهای شکست و موفقیت رابطه زناشویی نظریه‌ها، مدلها، و رویکردهای متعددی مطرح شده است.

مطابق نظریه تبادل اجتماعی<sup>3</sup> یک شخص در صورتی در یک رابطه باقی می‌ماند که جاذبه‌های درونی آن قویتر از کششهای بیرونی آن باشند (دونان و جکسون<sup>4</sup>، ۱۹۹۰). در نظریه رفتاری<sup>5</sup> در مورد ازدواج، تأکید بر تبادل رفتارهای خاص میان فردی است. مطابق این نظریه رفتارهای مثبت یا پاداش دهنده

6 - markman

7 - stuart

8 - wills

9 - weiss

10 - patterson

11 - attachment theory

12 - bowldy

13 - hazan & shver

14 - bradshow

1 - louis terman

2 - gottman

3 - social exchange theory

4 - Donovan & jackson

5 - behavioral theory

ازدواج را توجیه می‌کند. در مجموع کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) معتقدند که مدل رفتاری اساس مهمی را برای یک مدل تغییر زناشویی فراهم می‌کند و می‌تواند با بررسی موقعیت بوم شناختی که زوجها در آن سکونت دارند و ویژگیهای شخصی ثابتی که آنها به ازدواج وارد می‌کنند تقویت شود. برلسن و دنتن<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) با تأکید بر نقش مهارتهای اجتماعی در حفظ رابطه و جاذبه میان فردی با ارائه مدلی تحت عنوان «شباهتها در مهارتهای اجتماعی و شناختی- اجتماعی»<sup>۵</sup> پیش‌بینی می‌کنند که این شباهتها با تقویت تعاملهای لذت بخش جاذبه را افزایش می‌دهند.

پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا ترکیب خطی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت شناختی موفقیت و یا شکست را در رابطه زناشویی پیش‌بینی می‌کند؟ اجرای پژوهش حاضر از سه جنبه نظری، کاربردی و روش‌شناسی حائز اهمیت است. مشخص کردن متغیرهایی که با شکست و موفقیت در ازدواج رابطه دارند زمینه را برای پژوهشهای آزمایشی و مداخله‌ای بعدی فراهم می‌کند. یکی از دلایلی که ضرورت کاربردی پژوهش حاضر را روشن

دارد. در واقع، موفقیت یک رابطه خاص بستگی به این دارد که آیا هر عضو زوج اعتقاد دارد که شریکش می‌تواند آن نیازها را برآورده کند یا نه؟ نظریه بحران<sup>۱</sup> بر اهمیت رویدادهای رویدادهای بیرونی برای تغییر مسیر ازدواج تأکید دارد (کارنی و برادبوری<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). پژوهشگران رابطه زناشویی که از این نظریه برای پیش‌بینی پیامدهای زناشویی بهره می‌جویند بر این فرضند که کاهشها در رضایت زناشویی و وقوع جدایی یا طلاق ناکامی در بهبودی از بحرانها را منعکس می‌کند. به طور کلی، زوجینی که رویدادهای استرس‌زای بیشتری را تجربه می‌کنند باید بیشتر در معرض پیامدهای زناشویی منفی باشند و این تأثیر باید به سطوح زوجین و تعریف زوجین از رویدادها تعدیل شود (کارنی و برادبوری، ۱۹۹۵). کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) با بررسی روشها و یافته‌های ۱۵۰ مطالعه طولی که به بیش از ۴۵۰۰۰ ازدواج مربوط می‌شد، مدل آسیب‌پذیری- فشار روانی- انطباق ازدواج<sup>۳</sup> را مطرح کردند. آنها معتقدند که این مدل نقاط قوت نظریه‌های قبلی (نظیر تبادل اجتماعی، دلبستگی، بحران و رفتاری) را در مورد ازدواج ادغام کرده است و یافته‌های به دست آمده در خصوص بازده

<sup>۱</sup> - crisis theory

<sup>۲</sup> - karney & bradbury

<sup>۳</sup> - vulnerability – stress – adaptation model of marriage

<sup>۴</sup> - Burlison & denton

<sup>۵</sup> - similarities in social – cognitive and communication skills

است، به کارگیری تحلیل ممیز در پژوهش حاضر زمینه را برای آشنایی و استفاده گسترده پژوهشگران فراهم می‌سازد.

بررسی مختصر نظریه‌ها و مدل‌های مطرح شده در حوزه زناشویی روشن کننده این نکته‌اند که عوامل مختلفی بر پایداری و ناپایداری ازدواج اثر می‌گذارند. از جمله، در خصوص سهم عمده ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی ادعاهای مختلفی مطرح شده است.

به طور کلی شواهد موجود نشان می‌دهند که عوامل شخصیتی پیش‌بینی‌های تجربی برای عدم ثبات زناشویی هستند. وجود روابط بین عوامل شخصیتی و بازده زناشویی زوجین با استفاده از طرح‌های طولی و مقطعی مختلف تأیید شده است. اکثر این پژوهشها (کوردک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ بوچارد و لوزیر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ امان الهی فرد، ۱۳۸۴) نشان داده‌اند که به طور کلی ویژگی‌های شخصیتی عصیت، برون‌گرایی، بازبودن، توافق و وجدانی بودن پیش‌بین سازگاری زناشویی‌اند. نمچک والسن<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) نیز با استفاده از مدل پنج عاملی شخصیت به این نتایج دست یافتند: الف. شباهت در سطوح وجدانی بودن هم برای زنان و هم برای

می‌سازد، آمار بالای طلاق در جهان و ایران است. بر اساس کیهان نیا (۱۳۷۵) ایران چهارمین کشور جهان از نظر میزان طلاق معرفی شده است. بر اساس سالنامه آماری کشور (۱۳۸۰؛ به نقل از امان الهی فرد، ۱۳۸۴). آمار طلاق در ایران از ۷٪ در سال ۱۳۷۰ به ۱۶٪ در سال ۱۳۷۹ رسیده است. بر اساس سالنامه آماری استان خوزستان در سال ۱۳۸۲ (امان الهی فرد، ۱۳۸۴) در مقابل ۳۹۶۷۹ ازدواج ۳۶۴۶ (حدود ۱۰٪) طلاق صورت گرفته است. این در حالی است که طلاق پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر فزاینده آسیب روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر به مرگ، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، قتل (گاتمن، ۱۹۹۴) برای زوجین و خطر افسردگی و خودکشی، انزوا و شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و عملکرد تحصیلی پایین برای فرزندان (گاتمن، ۱۹۹۴) دارد. دستیابی به یک مدل پیش‌بینی عضویت گروهی (زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق) از روی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به کارگیری مدل آماری تحلیل ممیز<sup>۱</sup> را ایجاب می‌کند. با توجه به اینکه در اکثر پژوهش‌های پیشین برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی از روش تحلیل آماری رگرسیون چندمتغیری استفاده شده

<sup>۲</sup> - kurdek

<sup>۳</sup> - bouchard & lussier

<sup>۴</sup> - nemechek & olson

<sup>۱</sup> - discriminant analysis

شوهران و زنان رابطه قوی ( $r=0/49$ )  
 ،  $p<0/001$ ) وجود دارد. همچنین، بین  
 مهارت اثربخشی ارتباطی زنان و شوهران  
 رابطه قوی ( $r=0/49$ ،  $p<0/001$ ) به دست  
 آمد، ولی بین مهارت اجتماعی «دقت  
 پیش‌بینی» زنان و شوهران رابطه‌ای به دست  
 نیامد. ج. در مقایسه با زوجهای اسمی،  
 زوجهای متأهل (زن و شوهرهای واقعی) به  
 طور معنی‌داری از لحاظ سطوح پیچیدگی  
 شناختی (مهارت شناختی- اجتماعی) و  
 مهارت اجتماعی دقت ادراکی و مهارت  
 اجتماعی اثربخشی ارتباطی مشابه‌تر بودند. د.  
 بین زوجهای کم مهارت و زوجهای با مهارت  
 بالا از نظر سازگاری زناشویی و علاقه به  
 همسر تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. به  
 طور کلی، نتایج مؤید این فرضیه‌اند که افراد  
 دارای مهارتهای اجتماعی بالا بیش از افرادی  
 که مهارتهای اجتماعی ضعیف دارند ممکن  
 است از روابط بین فردی نزدیک رضایت  
 داشته باشند. فلورا و سگرین<sup>2</sup> (۱۹۹۹) در  
 پژوهش خود نشان دادند که مهارتهای  
 اجتماعی افراد عموماً رابطه مثبتی با رضایت  
 ارتباطی خودشان و همسرشان دارند. اثرهای  
 چندمتغیری مهارتهای اجتماعی در کل معنی‌دار  
 (برای مردان) ( $r=0/49$ ،  $p<0/001$ ) ، برای  
 زنان ( $r=0/49$ ،  $p<0/001$ ) بودند. مهارت  
 اجتماعی حمایت عاطفی در رضایت خود فرد

شوهران ارتباط معنی‌داری با سازگاری  
 زناشویی دارد. ب. شباهت در ویژگی توافق  
 زوجها فقط با سازگاری زناشویی شوهران  
 رابطه دارد. ج. شباهت زوجها در ویژگی  
 عصیت فقط با سازگاری زناشویی زنان رابطه  
 دارد و نه شوهران. د. باز بودن احساسات  
 (عواطف) با سازگاری زناشویی زنان رابطه  
 داشت و نه شوهران. ه. شباهت زوجها در  
 برون‌گرایی نه برای شوهران با سازگاری  
 زناشویی رابطه داشت و نه برای زنان .

متخصصان زناشویی درمانی بر وجود  
 همبستگی مثبت مهارتها و الگوهای ارتباطی با  
 رضایت زناشویی زوجین تأکید فوق العاده  
 دارند. فقیرپور (۱۳۸۱) با اجرای پژوهش  
 آزمایشی رابطه معنی‌دار مهارتهای ارتباطی با  
 سازگاری زناشویی و رابطه معنی‌دار مهارتهای  
 حل مسأله با سازگاری زناشویی را تأیید کرد.  
 برلسن و دنتن (۱۹۹۲) شباهتهای مهارتهای  
 اجتماعی شصت زوج متأهل و شصت زوج  
 اسمی<sup>۱</sup> را مقایسه کردند. نتایج این پژوهش  
 نشان دادند که: الف. بین سطوح شناختی  
 شوهران و زنان رابطه قوی ( $r=0/49$ )  
 ،  $p<0/001$ ) وجود دارد. ب. بین سطوح  
 مشابه مهارت در درک و محتوای پیامهای

<sup>۱</sup> - با استفاده از شصت زوج متأهل و از طریق  
 جدول اعداد تصادفی با جفت کردن یک مذکر و  
 یک مؤنث شصت زوج اسمی خلق شدند .

<sup>۲</sup> - flora & segrin

دست یافت که افراد دارای دلبستگی ایمن به طور معنی‌داری رضایت ارتباطی بیشتری را نسبت به افراد دلبسته اضطرابی و افراد دلبسته اجتنابی نشان دادند. رضازاده (۱۳۸۱) با بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و مهارتهای ارتباطی با همسازی زناشویی نشان داد که بین سبکهای دلبستگی زوجین همخوانی وجود دارد و بین زوجهای نایمن و ایمن در سه مقیاس از ۱۲ مقیاس آزمون همسازی زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود داشت. فینی<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) مشخص ساخت که دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی زوجین همبستگی مثبت دارد. بشارت<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود نشان داد که زوجهای با سبک دلبستگی ایمن، از وابستگی، اعتماد، تعهد و رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بودند و زوجهای با سبکهای دلبستگی اجتنابی و اضطرابی دو سوگرا مشکلات بیشتری در روابط زناشویی خود داشتند. عباسی سرچشمه (۱۳۸۴) نشان داد که: ۱. بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی دانشجویان مرد متأهل دانشگاه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. ۲. بین سبک دلبستگی نایمن و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. ۳. فارغ از اثر سن و طول مدت ازدواج، بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری

از رابطه (و نه رضایت همسرش از رابطه) نقش داشت (برای مردان  $r=0/45$ ) ریگیو<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) با اجرای پرسشنامه مهارتهای اجتماعی<sup>۲</sup> روی زوجهای متأهل که از ازدواج آنها ۵۰ سال یا بیشتر گذشته بود و نیز روی زوجهای متأهلی که ازدواج کوتاه مدت داشتند نشان داد که نمره‌ها در ۶ مقیاس مهارتهای اجتماعی با متغیرهای کیفیت ازدواج و رضایت زوجین از رابطه همبستگی دارند. لانگ و آندرو<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) نیز از پژوهش خود نتیجه گرفتند که بین بیانگری هیجانی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت و بین دو سوگرایی در بیانگری هیجانی با سازگاری زناشویی رابطه منفی وجود دارد. رضازاده (۱۳۸۱) نیز با اجرای پژوهش خود بر روی دانشجویان متأهل نشان داد که بین مهارتهای ارتباطی قوی زوجین دانشجویان و همسازی زناشویی آنها رابطه وجود دارد.

سن چاک و لئونارد<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) با بررسی سبکهای دلبستگی و سازگاری زناشویی نشان دادند که زوجهایی که هر دو دلبسته ایمن بودند، شواهد بهتری از سازگاری زناشویی داشتند تا زوجهایی که هر دو دلبسته نایمن بودند. پیستول<sup>۵</sup> (۱۹۸۹) نیز به این نتیجه

<sup>۱</sup> - riggio

<sup>۲</sup> - social skills inventory

<sup>۳</sup> - long & andrew

<sup>۴</sup> - senchek & leonard

<sup>۵</sup> - pistole

<sup>۶</sup> - feeny

<sup>۷</sup> - besharat

وجود دارد. ۴. فارغ از اثر سن و طول مدت ازدواج، بین سبک دلبستگی ناایمن و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. مظاهری (۱۳۷۹) در پژوهش خود مشخص ساخت که زوجین ناایمن ضعیف‌ترین و پایین‌ترین سازگاری و زوجهای ایمن بالاترین سازگاری را نشان می‌دهند.

تأثیر ویژگیهای جمعیت‌شناختی زوجین نظیر تحصیلات زن و مرد، میزان آشنایی زن و مرد از همدیگر، درآمد زن و مرد، و سن زن و مرد در بازده رابطه زناشویی توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقات مختلف بیانگر این واقعیت‌اند که زوجهایی که تحصیلات خوبی ندارند یا تفاوت تحصیلات قابل توجه دارند بیشتر در خطر انحلال زناشویی قرار دارند (کوردک، ۱۹۹۳؛ بنی جمالی، نفیسی و نیروی، ۱۳۸۳؛ مولوی، ۱۳۸۳). پژوهشهای مختلفی هم نشان داده‌اند که میزان شناخت و آشنایی پیش از ازدواج یکی از پیش‌بینی‌های قوی سازگاری زناشویی است (صیادپور، ۱۳۸۱؛ ۱۹۹۳؛ لندیز<sup>۱</sup>، ۱۹۷۵ به نقل از جانیتوس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

پژوهشهای مختلفی نشان داده‌اند که زوجهای بی‌ثبات نسبت به زوجهای با ثبات درآمدهای پایین‌تری دارند (بنی‌جمالی و

همکاران، ۱۳۸۳؛ هنان<sup>۳</sup>، توما<sup>۴</sup> و گرینولد<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷؛ کوردک، ۱۹۹۳). به طور کلی، سن بالاتر در زمان ازدواج ثبات و رضایت زناشویی بیشتری را پیش‌بینی می‌کند (کارنی و برادبوری، ۱۹۹۵). شفیعیان (۱۳۸۲) در پژوهش خود نتیجه گرفت که افرادی که در هنگام ازدواج سن بالاتری داشتند از رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بودند. هیرومی<sup>۶</sup> (۱۹۸۸) نیز دریافت که سن ازدواج در مردان و زنان با احتمال جدایی رابطه منفی دارد. بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳) به این نتیجه دست یافتند که میانگین سن مردان و زنان در گروه ناموفق پایین‌تر از گروه موفق بوده است. در پژوهش امان‌الهی‌فرد (۱۳۸۴) مشخص شد که فاصله سنی زن و مرد با رضایت زناشویی رابطه‌ای ندارد. صدق‌آمیز (۱۳۷۶) به نقل از مولوی، (۱۳۸۱) نشان داد که تفاوت سنی زوجین با سازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری دارد. سری وستاوی<sup>۷</sup>، سینگ<sup>۸</sup> و نیگاما<sup>۹</sup> (۱۹۸۸) (۱۹۸۸) دریافتند که تفاوت سنی زوجین رابطه معنی‌داری با ناسازگاری زناشویی دارد. مولوی (۱۳۸۱) به این نتیجه دست یافت که بین

<sup>3</sup> - hanan  
<sup>4</sup> - tuma  
<sup>5</sup> - grenevold  
<sup>6</sup> - hiromi  
<sup>7</sup> - srivastav  
<sup>8</sup> - singh  
<sup>9</sup> - nigama

<sup>1</sup> - landis  
<sup>2</sup> - janitus

ترکیب خطی متغیرهای ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت‌شناختی موفقیت و شکست را در رابطه زناشویی پیش‌بینی می‌کند.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی از نوع پیش‌بینی است و با هدف پیش‌بینی عضویت گروهی (زوجهای موفق و ناموفق) و دستیابی به معادله ممیز طراحی شده است. در واقع، به منظور پاسخ به این سؤال عمده پژوهش که آیا ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت‌شناختی عضویت گروهی (زوجهای موفق و ناموفق) را پیش‌بینی می‌کنند از روش آماری تحلیل ممیز استفاده شده است.

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل کلیه زوجهای متقاضی طلاق و زوجهای عادی بود که در فاصله زمانی شهریور ماه ۱۳۸۳ تا شهریور ماه ۱۳۸۴ در شهر اهواز زندگی می‌کردند. در واقع، جامعه زوجهای متقاضی طلاق آن زوجهایی بودند که در فاصله زمانی مذکور جهت تقاضای طلاق به دادگستری اهواز مراجعه نمودند و حداقل ۸ کلاس سواد داشتند. در این نمونه‌گیری از زوجهای متقاضی طلاق که زن یا شوهر (یا هر دو) کمتر از ۸ کلاس سواد داشتند استفاده نشد.

زوجهای سازگار و ناسازگار تفاوت سنی معنی‌داری وجود ندارد.

با مروری بر نتایج پژوهشهای گذشته مشخص می‌شود که اشکال عمده این پژوهشها این است که متغیرهای مهم پیش بین سازگاری زناشویی را در زوجهای عادی بررسی کرده‌اند و آن دسته از پژوهشها که به مقایسه دو گروه سازگار و ناسازگار پرداخته‌اند متغیرهای محدودی را مطالعه کرده‌اند و حال آن که، برای درک واقع‌بینانه‌تر موفقیت و شکست در رابطه زناشویی و یا به عبارت بهتر پیش‌بینی موفقیت و شکست در رابطه زناشویی ضرورت دارد که در یک پژوهش یک پارچه و واحد متغیرهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت‌شناختی مهم مورد بررسی قرار گیرند.

با توجه به نقشی که ادبیات مربوط برای متغیرهای پژوهش حاضر بیان نموده است، هدف کلی این پژوهش کاربردی- نظری این است که با استفاده از ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی، و متغیرهای جمعیت‌شناختی به عنوان متغیرهای پیش‌بین موفقیت و شکست رابطه زناشویی زوجهای عادی و متقاضی طلاق را پیش‌بینی کند.

### فرضیه پژوهش



مناسب اجرای آزمونها نبود همه زوجهای متقاضی طلاق توسط پژوهشگر به دانشگاه دعوت شدند و در یک جلسه ۵/۳ ساعته و در یک فضای مناسب، به صورت گروهی یا انفرادی و در حضور پژوهشگر پرسشنامه‌های مرحله اعتباریابی یا اصلی پژوهش را تکمیل کردند. برای انتخاب زوجهای عادی مرحله اصلی پژوهش و مرحله اعتباریابی، از روش تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. شایان ذکر است که پیچیدگیهای روش نمونه‌گیری و دسترسی مشکل به زوجهای عادی برای همکاری و پژوهش موجب شد که پژوهشگر برای کسب اطلاعات دقیق جمعیت‌شناسی از معاونت آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان کمک بگیرد. این سازمان پس از آشنائی کامل با هدفهای پژوهش فهرست تصادفی خانوارهای ۵ منطقه اهواز را که در سال ۱۳۸۳ تهیه شده بود در اختیار پژوهشگر قرار داد. با استفاده از این فهرست تصادفی، به کمک آمارگیران، سیاهه ۱۲۱۴ زوج عادی را که واجد شرایط تحقیق بودند یعنی اینکه تاکنون برای حل اختلافات زناشویی خود به دادگاه مراجعه نکرده بودند، و دامنه سال تولد و دامنه تحصیلی‌شان موازی با زوجهای متقاضی طلاق بود، تهیه کردند. با توجه به نسبت نمونه‌برداری از میان سیاهه ۱۲۱۴ زوج، ۵۰۰ زوج به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. همان طور که در بخش حجم نمونه

منظور از جامعه زوجهای عادی افراد متأهلی بودند که در تاریخ مذکور در شهر اهواز در حال ادامه زندگی خود بودند و تاکنون سابقه مراجعه به دادگستری برای حل اختلافات زناشویی نداشتند.

حجم نمونه در مرحله اعتباریابی به ۶۱ زوج متقاضی طلاق و ۱۰۰ زوج عادی محدود شد. برای مرحله اصلی پژوهش و آزمون فرضیه ۲۰۰ زوج متقاضی طلاق و ۲۰۰ زوج عادی در نظر گرفته شده بود. در فاصله زمانی ۱۲ ماهه پژوهش، کل جامعه ۲۰۶ زوج مراجعه کننده به دادگاه خانواده اهواز برای این پژوهش در نظر گرفته شد. ۱۱ زوج حاضر به همکاری نشدند. با کسر حجم نمونه اعتباریابی، کل حجم نمونه (جامعه) زوجهای متقاضی طلاق به ۱۳۴ زوج رسید که تعداد ۶ زوج هم به دلیل تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها یا انصراف از شرکت در پژوهش، از حجم نمونه تحقیق حذف شدند، لذا، در مرحله اصلی تحقیق، داده‌های ۱۲۸ زوج متقاضی طلاق وارد تحلیل شدند. با توجه به احتمال عدم بازگشت برخی از پرسشنامه‌ها در مرحله اجرای تحقیق، به جای ۲۰۰ زوج، برای ۳۰۰ زوج عادی پرسشنامه ارسال شد که از این تعداد، فقط ۱۶۵ زوج پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند، اما پرسشنامه ۳۶ زوج فاقد پاسخگویی معتبر بودند، لذا فقط داده‌های ۱۲۹ زوج عادی وارد تحلیل شدند. از آن جا که فضای دادگاه

۸۱/۰ برآورد شد که همگی این ضرایب با دامنه معنی‌داری ۰۰۱/۰ تا ۰۶/۰ گزارش شدند.

ب. پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی<sup>۳</sup> (SSI).  
 (SSI). در این پژوهش، از این ابزار برای اندازه‌گیری مهارت‌های اجتماعی استفاده شد. پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی که توسط ریجیو (۱۹۸۹) ساخته شده یک ابزار ۹۰ ماده‌ای است که به عنوان یک سنجه خودگزارشی کوتاه اما جامع برای ارزیابی مهارت‌های اجتماعی طرح شده است. برای نمره‌گذاری ماده‌ها از یک مقیاس ۵ امتیازی به سبک لیکرت (۱ تا ۵) استفاده می‌شود. شش مقیاس SSI مهارت‌های اجتماعی را در دو سطح هیجانی<sup>۴</sup> (بیانگری<sup>۵</sup>، حساسیت<sup>۶</sup> و کنترل<sup>۷</sup>) و اجتماعی<sup>۸</sup> (بیانگری<sup>۹</sup>، حساسیت<sup>۱۰</sup> و کنترل) اندازه می‌گیرند. این شش مقیاس عبارتند از: مقیاس بیانگری هیجانی<sup>۹</sup> (EE)، مقیاس حساسیت هیجانی<sup>۱۰</sup> (ES)، مقیاس کنترل هیجانی<sup>۱۱</sup> (EC)، مقیاس بیانگری اجتماعی<sup>۱۲</sup> (SE)، مقیاس حساسیت اجتماعی<sup>۱۳</sup> (SS) و مقیاس

توضیح داده شد از این تعداد، ۲۰۰ زوج به روش تصادفی ساده برای انتخاب نمونه مرحله اعتباریابی و ۳۰۰ زوج برای انتخاب نمونه مرحله اصلی پژوهش در گروه زوج‌های عادی اختصاص یافت.

### ابزار پژوهش

به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش، از ابزارهای زیر استفاده شده است.

الف. پرسشنامه شخصیتی نئو، فرم تجدیدنظر شده<sup>۱</sup> (پرسشنامه نئویی آی). این پرسشنامه در سال ۱۹۹۲ توسط کاستا و مک کری<sup>۲</sup> ساخته شد و دارای ۲۴۰ ماده است که امکان مطالعه گسترده شخصیت بزرگسالان را فراهم می‌کند. این ابزار دارای ۵ شاخص اصلی است که عبارتند از: عصیبت، برون‌گرایی، بازبودن، توافق و وجدانی بودن (حق شناس، ۱۳۷۸). در پژوهش‌های قبلی (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲؛ حق شناس، ۱۳۷۸؛ زارعی، ۱۳۸۲) و پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با روش بازآزمایی، آلفای کرونباخ و تنصیف بین ۵۱/۰ تا ۹۶/۰ برآورد شد. مطابق پژوهش‌های قبلی و پژوهش حاضر همچنین ضرایب اعتبار این پرسشنامه بین ۰/۲۰- تا

<sup>3</sup> - Social skills inventory (SSI)

<sup>4</sup> - emotional

<sup>5</sup> - expressivity

<sup>6</sup> - sensivity

<sup>7</sup> - control

<sup>8</sup> - social

<sup>9</sup> - emotional expressivity

<sup>10</sup> - emotional sensivity (ES)

<sup>11</sup> - emotional control (EC)

<sup>12</sup> - social expressivity (SE)

<sup>13</sup> - social sensivity (SS)

<sup>1</sup> - revised NEO personality inventory (NEOPI)

<sup>2</sup> - Costa & McCrae

بعد دلبستگی اجتنابی اختصاص دارد. پایایی ECR-R با روش بازآزمایی در طول یک دوره ۸ هفته‌ای بیشتر از ۷۰٪ و با روش آلفای مبتنی بر تکنیک‌های تئوری پاسخ<sup>۵</sup> (IRT) برای مقیاس‌های اضطرابی و اجتنابی بیشتر از ۹۰٪ گزارش شده است (فرالی، ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر برای محاسبه پایایی مقیاس‌های اجتنابی و اضطرابی ECR-R از روش آلفای کرونباخ و روش تنصیف زوج و فرد استفاده شد. نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که ضرایب پایایی مقیاس اضطرابی با روش آلفای کرونباخ و تنصیف زوج و فرد بین ۸۰٪ تا ۸۶٪ و در مقیاس اجتنابی ۸۰٪ تا ۸۹٪ است. سیبلی و لیو<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) به منظور مطالعه اعتبار ECR-R، R ساختار عاملی ECR-R را با اجرای آن بر ۱۹۷ دانشجو مورد مطالعه قرار دادند و مشخص کردند که ECR-R یک ساختار دو عاملی روشن دارد. نتایج بررسی اعتبار ECR-R در پژوهش حاضر نشان داد که بین مقیاس اضطرابی ECR-R و بخش اضطرابی مقیاس هزن و شیور<sup>۷</sup> ۰/۴۰ تا ۰/۶۰ و بین مقیاس اجتنابی ECR-R و بخش اجتنابی مقیاس هزن و شیور<sup>۷</sup> ۰/۲۷ تا ۰/۴۳ همبستگی وجود دارد. دامنه معنی‌داری این ضرایب بین ۰/۰۰۱ تا ۰/۰۰۶ گزارش شدند.

کنترل اجتماعی (SC) ریجیو (۱۹۸۹) پایایی SSI را با روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ بین ۶۲٪ تا ۹۶٪ برآورد کرد. نتیجه پژوهش حاضر نیز نشان داد که ضرایب پایایی با روش آلفای کرونباخ و روش تنصیف زوج و فرد بین ۵۳٪ و ۹۳٪ است. مطابق مطالعه ریجیو (۱۹۸۹) و پژوهش حاضر مشخص شد که تمام مقیاس‌های SSI با هم همبستگی مثبت دارند. این پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که SSI با آزمون‌های معتبر همبستگی معنی‌داری دارد.

ج. پرسشنامه تجدیدنظر شده در روابط نزدیک<sup>۱</sup> (ECR-R). در این پژوهش، از این ابزار برای اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی استفاده شد. پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) که جدیدترین مقیاس برای اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی بزرگسالان است توسط فرالی<sup>۲</sup>، والتر<sup>۳</sup> و برن<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) ساخته شده و برای نخستین بار در پژوهش فعلی در جامعه آماری مورد پژوهش به کار گرفته شده است ECR-R. یک پرسشنامه ۳۶ ماده‌ای است که دارای دو مقیاس اضطرابی و اجتنابی است که ۱۸ ماده آن بعد دلبستگی اضطرابی و ۱۸ ماده هم به

<sup>۵</sup> - Item response theory (IRT)

<sup>۶</sup> - sibley & liu

<sup>۷</sup> - The revised hazan & shaver three-category measure

<sup>۱</sup> - the experiences in close relationships-revised (ECR-R) Questionnaire

<sup>۲</sup> - fraley

<sup>۳</sup> - waller

<sup>۴</sup> - brennan

و درآمد نمره‌های زن و مرد جمع شد و مجموع نمره هر زوج وارد تحلیل شد. ۳. قبل از انجام تحلیل، داده‌های جمع آوری شده مورد بررسی مقدماتی قرار گرفتند و تناسب آنها برای اجرای تحلیل ممیز مورد تأیید قرار گرفت. ۴. از تحلیل ممیز برای ترکیبی از تمام متغیرهای پیش‌بین استفاده شده است. ۵. برای تحلیل ممیز داده‌های فرضیه پژوهش از دو روش تحلیل همزمان و گام به گام استفاده شده است.

اطلاعات مربوط به یافته‌های توصیفی در جدول ۱ ارائه شده‌اند. این جدول اطلاعات مربوط به میانگین و انحراف معیار متغیرهای پیش‌بین را برای زوجهای متقاضی طلاق و عادی نشان می‌دهد.

چنانچه در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، در کلیه متغیرهای شخصیتی (عصبیت، برونگرایی، باز بودن، توافق و وجدانی بودن) میانگین زوجهای متقاضی طلاق بیشتر از زوجهای عادی است. از آن جا که تفاوت مطلق نمره هر زوج (زن و مرد) در متغیرهای شخصیتی به عنوان نمره اصلی هر زوج در نظر گرفته شد، لذا بیشتر بودن میانگین نمره‌های زوجهای متقاضی طلاق نسبت به زوجهای عادی بیانگر این است که زن و مردها در گروه متقاضی طلاق تفاوت بیشتری با هم دارند. همان طور که در جدول ۱ مشخص است میانگین نمره‌های زوجهای متقاضی طلاق در

د. پرسشنامه جمعیت شناختی. این پرسشنامه محقق ساخته دارای ۱۸ سؤال است که بیشتر سؤالات آن به سبک لیکرت است. در این پژوهش از آن برای سنجش ویژگیهای جمعیت‌شناختی زوجین از قبیل زمان ازدواج، سال تولد، تفاوت سنی، تفاوت تحصیلات، درآمد، میزان و مدت آشنایی قبل از ازدواج استفاده شد.

### روشهای آماری

در مرحله اعتباریابی از ضریب همبستگی پیرسون و در مرحله اصلی برای پیش‌بینی عضویت گروهی (موفقیت یا شکست در رابطه زناشویی) و دستیابی به معادله ممیز از روش آماری تحلیل ممیز استفاده شد. از این روش برای تمام ۱۷ متغیر پیش‌بین (به صورت همزمان و گام به گام) استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

پیش از ارائه یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه تحقیق لازم است به مواردی در خصوص کارهای مقدماتی که روی داده‌ها انجام شده است اشاره شود: ۱. برای هر ۲۵۷ زوج (زن و مرد) در همه ویژگیهای شخصیتی، سبکهای دلبستگی، تحصیلات و سن یک نمره تفاوت مطلق به دست آمد و این نمره‌ها وارد تحلیل شدند. ۲. برای هر ۲۵۷ زوج (زن و مرد) در همه مهارتهای اجتماعی، میزان آشنایی

بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای...

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار دو گروه زوجهای متقاضی طلاق و عادی در متغیرهای پیشبین

زوجهای عادی		زوجهای متقاضی طلاق		متغیرهای پیشبین
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱۵/۵۱	۱۸/۹۶	۱۹/۲۵	۲۶/۶۴	عصبیت
۱۲/۶۴	۱۶/۶۵	۱۷/۷۰	۲۰/۴۸	برون‌گرایی
۱۰/۳۳	۱۲/۶۷	۱۱/۷۶	۱۶/۲۴	باز بودن
۶/۱۴	۹/۵۶	۱۰/۷۰	۱۴/۸۴	توافق
۱۳/۰۸	۱۶/۵۸	۱۶/۶۵	۲۴/۰۲	وجدانی بودن
۱۰/۸۱	۸۸/۹۶	۹/۱۵	۸۲/۸۱	بیانگری هیجانی
۱۲/۲۸	۹۴/۰۷	۸/۲۵	۸۵/۰۹	حساسیت هیجانی
۱۰/۷۵	۹۲/۹۵	۱۰/۸۵	۸۵/۷۱	کنترل هیجانی
۱۱/۱۶	۹۲/۷۷	۱۲/۴۰	۸۵/۹۷	بیانگری اجتماعی
۱۲/۵۳	۸۵/۹۴	۷/۹۲	۸۱/۳۲	حساسیت اجتماعی
۹/۸۷	۱۰۸/۴۹	۱۱/۱۸	۱۰۶/۲۲	کنترل اجتماعی
۱۲/۲۵	۱۴/۱۵۷	۱۴/۰۷	۱۹/۲۸	دلبستگی اضطرابی
۱۲/۴۸	۱۴/۵۵	۱۴/۰۴	۱۸/۱۸	دلبستگی اجتنابی
۱/۶۴	۲/۳۲	۱/۶۶	۳/۲۲	تفاوت تحصیلی
۲/۷۱	۱۲/۵۴	۵/۵۶	۱۱/۳۰	میزان آشنایی
۳۶۵۷۲۸/۴۶	۳۸۹۶۸۴/۲۸	۲۹۷۷۱۲/۱۲	۲۸۱۶۷۵/۱۹	درآمد (به تومان)
۳/۰۹	۶/۴۳	۳/۷۰	۷/۴۲	تفاوت سنی

طلاق در متغیرهای مذکور بین ۲۵/۱۹ تا ۷۰/۱۰ و در زوجهای عادی بین ۵۱/۱۵ تا ۲۴/۶ است. همچنین، همان طور که در جدول

متغیرهای شخصیتی بین ۶۴/۲۶ تا ۸۴/۱۴ و در زوجهای عادی بین ۹۶/۱۸ تا ۲۶/۹ و انحراف معیار نمره‌های زوجهای متقاضی

مردها در گروه متقاضی طلاق تفاوت بیشتری با هم دارند. همان طور که در جدول ۱ آمده است میانگین نمره‌های زوجهای متقاضی طلاق در متغیرهای دلبستگی اضطرابی و اجتنابی بین ۱۸/۱۸ تا ۲۸/۱۹ و در زوجهای عادی بین ۱۵۷/۱۴ تا ۵۵/۱۴ و انحراف معیار نمره‌های زوجهای متقاضی طلاق در متغیرهای مذکور بین ۰۴/۱۴ تا ۰۷/۱۴ و در زوجهای عادی بین ۲۵/۱۲ تا ۴۸/۱۲ است. با نگاهی به جدول ۱ مشخص شده است که میانگین زوجهای متقاضی طلاق در متغیر تحصیلات و متغیر سن بیشتر از میانگین زوجهای عادی است. بیشتر بودن میانگین نمره‌های زوجهای متقاضی طلاق نسبت به زوجهای عادی در متغیرهای تحصیلات و سن بیانگر این است که زن و مردها در گروه متقاضی طلاق تفاوت بیشتری با هم دارند. با مشاهده جدول ۱ معلوم هم می‌شود که در متغیر میزان آشنایی و درآمد میانگین زوجهای عادی بیشتر از زوجهای متقاضی طلاق است. میانگین و انحراف معیار نمره‌های زوجهای عادی در متغیر میزان آشنایی ۵۴/۱۲، ۷۱/۲ و در زوجهای متقاضی طلاق ۳۰/۱۱، ۵۴/۵ است. همچنین، میانگین و انحراف معیار درآمد به تومان در زوجهای عادی ۲۸۳۸۹۶۸۴، ۲۸۳۸۹۶۸۴ و در زوجهای متقاضی طلاق ۱۹۲۸۱۶۷۵، ۱۲۲۹۷۷۱۲ می‌باشد.

۱ مشاهده می‌شود در کلیه متغیرهای مهارتهای اجتماعی (بیانگری هیجانی، حساسیت هیجانی، کنترل هیجانی، بیانگری اجتماعی، حساسیت اجتماعی و کنترل اجتماعی) میانگین زوجهای عادی بیشتر از زوجهای متقاضی طلاق است. همان طور که بیان شد برای ۲۵۷ زوج مجموع نمره هر زوج در مهارتهای اجتماعی به عنوان نمره زوجی در نظر گرفته شد، بدیهی است که بیشتر بودن نمره‌های زوجهای عادی نسبت به زوجهای متقاضی طلاق بیانگر این است که زوجهای عادی از مهارت اجتماعی بیشتری برخوردارند. میانگین نمره‌های زوجهای عادی در متغیرهای مهارتهای اجتماعی بین ۹۴/۸۵ تا ۴۹/۱۰۸ و در زوجهای متقاضی طلاق بین ۳۲/۸۱ تا ۲۲/۱۰۶ و انحراف معیار نمره‌های زوجهای عادی در متغیرهای مذکور بین ۸۱/۱۰ تا ۸۷/۹ و در زوجهای متقاضی طلاق بین ۱۵/۹ تا ۱۸/۱۱ است. با نگاهی به جدول ۱ همچنین مشخص است که در متغیر دلبستگی اضطرابی و متغیر دلبستگی اجتنابی میانگین زوجهای متقاضی طلاق بیشتر از زوجهای عادی است. از آن جا که تفاوت مطلق نمره هر زوج (زن و مرد) در متغیرهای دلبستگی اضطرابی و دلبستگی اجتنابی به عنوان نمره اصلی هر زوج در نظر گرفته شد، لذا بیشتر بودن میانگین نمره‌های زوجهای متقاضی طلاق نسبت به زوجهای عادی بیانگر این است که زن و

۱. تعداد تابع: عدد ۱ حاکی از تنها تابع ممیزی است که با دو سطح از متغیر ملاک به دست آمده است .

۲. مقدار ویژه: با نگاهی به جدول ۲ مقدار ویژه تنها تابع ممیز ۷۸۱/۰ (به روش همزمان) و ۶۸۸/۰ (به روش گام به گام) است. کوچکتر بودن مقدار ویژه به روش گام به گام با توجه به درجه آزادی ۸ (۸ متغیر پیش‌بین وارد شده به معادله ممیز) قابل توجیه است. به طور کلی، هر چه مقدار ویژه تابع بیشتر باشد تابع از قدرت تشخیصی بیشتری برخوردار است .

۳. درصد واریانس: بدیهی است که چون یک تابع ممیز وجود دارد مقدار واریانس ۱۰۰٪ است. در مواردی که چند تابع ممیز وجود داشته باشد آن تابعی بیشتر ارزش دارد که مقدار درصد واریانس آن بیشتر باشد .

۴. همبستگی متعارف و مجذور آن (مجذور اتا): مطابق با اطلاعات مندرج در جدول ۲ این مقدار در تابع ممیز به روش تحلیل همزمان ۶۶۲/۰ و به روش تحلیل گام به گام ۶۳۹/۰ است. مجذور اتا برای تحلیل ممیز به روش همزمان ۴۴/۰ و به روش گام به گام ۴۱/۰ است. بنابراین، ۴۴ درصد پراش ۱۷ متغیر پیش‌بین به روش همزمان و ۴۱ درصد پراش ۸ متغیر پیش‌بین به روش گام به گام برای تنها تابع ممیز از اختلاف بین دو گروه متقاضی طلاق و عادی تبیین می‌شود .

فرضیه تحقیق بیانگر این است که ترکیب خطی متغیرهای ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت شناختی، موفقیت و شکست را در رابطه زناشویی پیش‌بینی می‌کند .

یافته‌های جدول ۲ مستقیماً و یافته‌های جداول ۳ تا ۸ به طور غیرمستقیم به فرضیه تحقیق مربوط اند .

همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است (هم در تحلیل ممیز به روش همزمان که ترکیب هفده متغیر با هم وارد تحلیل شده‌اند و هم در تحلیل ممیز به روش گام به گام که پس از ارائه همه متغیرها هشت متغیر در تحلیل باقی ماندند) با توجه به مقدار لامبدای کوچک و مقدار مجذور کای بالا و سطح معنی‌داری  $P < 0.01/0$ ، تابع ممیز به دست آمده از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین متغیر وابسته یعنی گروه (در دو سطح زوجهای متقاضی طلاق و عادی) برخوردار است. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد. برای فهم بهتر ستون اول (اطلاعات مهم مربوط به تابع ممیز) جدول ۲ توضیحات شماره ۱ تا ۱۰ زیر ارائه شده است. ضمناً برای آگاهی از ۸ متغیری که با روش تحلیل ممیز گام به گام وارد تحلیل شدند جداول ۳ و ۴ ارائه شده‌اند .

۵. لامبدای ویلکز: همان طور که در جدول ۲ آمده است این مقدار برای تابع ممیز به روش همزمان ۵۶۲/۰ و برای تابع ممیز به روش گام به گام ۵۹۲/۰ است که هر دو مقدار در سطح  $P < ۰۰۱/۰$  معنی دارند، لذا، فرضیه تحقیق تأیید می شود.

جدول ۲. خلاصه تابع ممیز متعارف و برخی اطلاعات مهم تابع به روش تحلیل همزمان (۱۷ متغیر پیش‌بین) و گام به گام (۸ متغیر پیش‌بین)

اطلاعات مهم مربوط به تابع ممیز	تحلیل ممیز به روش همزمان	تحلیل ممیز به روش گام به گام
تعداد تابع	۱	۱
مقدار ویژه	۰/۷۸۱	۰/۶۸۸
درصد واریانس	۱۰۰	۱۰۰
درصد تراکمی	۱۰۰	۱۰۰
همبستگی متعارف	۰/۶۶۲	۰/۶۳۹
مجذور اتا	۰/۴۴	۰/۴۱
لامبدای ویلکز	۰/۵۶۲	۰/۵۹۲
مجذور کای	۱۴۲/۲۲۹	۱۳۱/۴۸۳
درجه آزادی	۱۷	۸
معنی‌داری تابع ممیز	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
مرکز واره نمره‌ها برای گروه متقاضی طلاق	۰/۸۸۴	-۰/۸۳۰
مرکز واره نمره‌ها برای گروه عادی	۰/۸۷۷	۰/۸۲۳
پیش‌بینی عضویت گروهی	٪ ۷۹/۴	٪ ۷۷/۸
ضریب کاپا	۰/۵۸۸	۰/۵۵۶
معنی‌داری ضریب کاپا	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

۶. مجذور کای: همان طور که در جدول ۲ آمده است این مقدار برای تنها تابع ممیز به روش همزمان ۲۲۹/۱۴۲ و به روش گام به گام ۴۸۳/۱۳۱ است. مطابق آن چه در ردیف

معنی‌داری تابع ممیز آمده مقدار مجذور کای به دست آمده در سطح  $P < ۰۰۱/۰$  معنی‌دار است لذا، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که تابع ممیز به دست



پیش‌بین) به طور کلی ۴/۷۹٪ زوجها و با روش گام به گام (۸ متغیر پیش‌بین) ۸/۷۷٪ زوجها به درستی طبقه‌بندی شده‌اند. به عبارت دیگر، در تابع ممیز همزمان از ۱۲۸ زوج متقاضی طلاق ۱۰۳ زوج به درستی در گروه متقاضی طلاق و ۲۵ زوج به اشتباه در گروه عادی و از ۱۲۹ زوج عادی ۱۰۱ زوج به درستی در گروه عادی و ۲۸ زوج به اشتباه در گروه متقاضی طلاق قرار گرفته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که قدرت پیش‌بینی تابع (معادله) ممیز به روش همزمان ۴/۷۹٪ و قدرت پیش‌بین تابع معادله ممیز با روش گام به گام ۸/۷۷٪ است.

۹. ضریب کاپا<sup>۱</sup> در توضیح شماره ۸ گفته شد که قدرت پیش‌بینی تابع ممیز به دست آمده با روش همزمان ۴/۷۹٪ است. همان طور که در جدول ۲ آمده است دقت اصلاح شده این پیش‌بینی ۵۸۸/۰ است. دقت اصلاح شده قدرت پیش‌بینی دسته بندی تابع ممیز به روش گام به گام ۵۵۶/۰ است.

۱۰. معنی‌داری ضریب کاپا: ضریب کاپا برای تابع ممیز به دست آمده به روش همزمان و به روش گام به گام در سطح  $P < ۰۰۱/۰$  معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان گفت که قدرت پیش‌بینی که از تابع ممیز فوق به دست آمده معنی‌دار است.

آمده به طور معنی‌داری از قدرت تشخیصی قابل توجهی برای دو سطح از متغیر ملاک برخوردار است. با توجه به موارد توضیح داده شده در شماره ۵ و ۶ بالا نمایش فرضیه برای روش همزمان  $P < ۰۰۱/۰$  و  $N = ۲۳/۱۴۲$  (و  $N = ۲(۱۷)$  و  $C = ۵۶۲/۰$ ، لامبدا و برای روش گام به گام  $P < ۰۰۱/۰$  و  $N = ۴۸۳/۱۳۱$  (و  $N = ۲(۸)$  و  $C = ۵۹۲/۰$ ، لامبدا می‌باشد.

۷. مرکز واره نمره‌ها: همان گونه که در جدول ۲ آمده است مرکز واره نمره‌ها برای تنها تابع ممیز به روش تحلیل همزمان ۸۸۴/۰- برای گروه متقاضی طلاق و ۸۷۷/۰ برای گروه عادی و به روش تحلیل گام به گام ۸۳۰/۰- برای گروه متقاضی طلاق و ۸۲۳/۰ برای گروه عادی است. این بدان معناست که نقطه برش شکست و موفقیت در رابطه زناشویی برای تابع ممیز به دست آمده صفر است و تابع ممیز به دست آمده، تابع تشخیصی بسیار مناسبی در متمایز نمودن گروه زوجهای متقاضی طلاق و عادی است. به این ترتیب، اگر نمره‌های یک زوج در معادله ممیز به دست آمده گذاشته شود و نمره به دست آمده مثبت باشد. پیش‌بینی می‌شود که آن زوج موفق و اگر منفی باشد پیش‌بینی می‌شود که آن زوج ناموفق خواهد بود.

۸. پیش‌بینی عضویت گروهی: تابع ممیز به دست آمده با روش همزمان (۱۷ متغیر

<sup>1</sup> - kappa

جدول ۳. خلاصه تحلیل ممیز رگرسیون گام به گام همراه با لامبدای ویلکز ۸ متغیر پیش‌بین

مرحله	وارد شده	تعداد متغیرها	لامبدای ویلکز	درجه آزادی	درجه آزادی	F دقیق				
				۱	۲	۳	آماره	درجه آزادی	معنی داری	
۱.	حساسیت هیجانی	۱	۰/۸۴۴	۱	۱	۲۵۵	۴۷/۲۹۴	۱	۲۵۵	۰/۰۰۱
۲.	کنترل هیجانی	۲	۰/۷۷۰	۲	۱	۲۵۵	۳۷/۸۴۸	۲	۲۵۴	۰/۰۰۱
۳.	بیانگری هیجانی	۳	۰/۶۸۷	۳	۱	۲۵۵	۳۸/۴۶۳	۳	۲۵۳	۰/۰۰۱
۴.	ویژگی شخصیتی توافق	۴	۰/۶۴۶	۴	۱	۲۵۵	۳۴/۵۴۷	۴	۲۵۲	۰/۰۰۱
۵.	ویژگی شخصیتی عصبیت	۵	۰/۶۲۸	۵	۱	۲۵۵	۲۹/۷۵۳	۵	۲۵۱	۰/۰۰۱
۶.	تفاوت تحصیلی	۶	۰/۶۱۳	۶	۱	۲۵۵	۲۶/۲۹۴	۶	۲۵۰	۰/۰۰۱
۷.	درآمد	۷	۰/۶۰۲	۷	۱	۲۵۵	۲۳/۵۰۹	۷	۲۴۹	۰/۰۰۱
۸.	ویژگی شخصیتی باز بودن	۸	۰/۵۹۲	۸	۱	۲۵۵	۲۱/۳۴۳	۸	۲۴۸	۰/۰۰۱

شناختی) صورت گرفت و نتایج آن در جدول ۳ آمده است. مطابق با اطلاعات مندرج در این جدول، پس از ارائه ۱۷ متغیر، ۸ متغیر باقی ماند، در گام اول متغیر حساسیت هیجانی، در گام دوم متغیر کنترل هیجانی، در گام سوم متغیر بیانگری هیجانی، در گام چهارم ویژگی شخصیتی توافق، در گام پنجم ویژگی شخصیتی عصبیت، در گام ششم متغیر تحصیلات، در گام هفتم متغیر درآمد، و در گام هشتم ویژگی شخصیتی باز بودن وارد

همان طور که در بالا توضیح داده شد با اجرای تحلیل ممیز به روش گام به گام از ۱۷ متغیر پیش‌بین، ۸ متغیر باقی ماند. اطلاعات مربوط به این ۸ متغیر در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

تحلیل ممیز رگرسیون گام به گام شکست و موفقیت در رابطه زناشویی روی ۱۷ متغیر پیش‌بین (شامل ۵ متغیر ویژگیهای شخصیتی، ۶ متغیر مهارتهای اجتماعی، ۲ متغیر سبکهای دل بستگی و ۴ متغیر ویژگیهای جمعیت

---

بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای...

تحلیل شدند که F برای هر هشت متغیر در سطح  $P < 0.01/0$  معنی دار است .

## مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

جدول ۴. جدول ضرایب استاندارد شده، غیراستاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز به روش همزمان و گام به گام

تابع										پیش‌بینها	
به روش گام به گام					به روش همزمان					متغیر	کد
ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز		ضرایب ساختاری	ضرایب استاندارد تابع ممیز	ضرایب استاندارد تابع ممیز	ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز		ضرایب ساختاری	ضرایب استاندارد تابع ممیز	ضرایب استاندارد تابع ممیز		
گروه عادی	گروه طلاق				گروه عادی	گروه طلاق				گروه عادی	گروه طلاق
۰/۰۲۶	۰/۰۴۹	-۰/۲۶۶	-۰/۰۱۴	-۰/۲۵۱	-۰/۱۰۲	-۰/۰۸	-۰/۲۵۰	-۰/۰۱۲	-۰/۲۱۳	عصبیت	X1
-	-		-	-	۰/۱۰۶	۰/۱۰۳	-۰/۱۴۲	۰/۰۰۲	۰/۰۳۱	برون‌گرایی	X2
۰/۱۳۴	۰/۱۶۵	-۰/۱۶۵	-۰/۰۱۸	-۰/۲۰۳	۰/۱۲۷	۰/۱۵۹	-۰/۱۸۳	-۰/۰۱۸	-۰/۲۰۲	باز بودن	X3
۰/۱۶۵	۰/۲۲۳	-۰/۳۸۷	-۰/۰۳۵	-۰/۳۰۸	۰/۰۶۲	۰/۱۱۸	-۰/۳۶۳	-۰/۰۳۲	-۰/۲۷۷	توافق	X4
-	-		-	-	۰/۰۵۱	۰/۰۶۹	-۰/۲۸۲	-۰/۰۱۰	-۰/۱۵۳	وجدانی بودن	X5
۱/۱۶۸	۱/۰۹۳	۰/۳۷۱	۰/۰۴۵	۰/۴۵۴	۱/۰۴۹	۰/۹۸۰	۰/۳۴۹	۰/۰۳۹	-۰/۳۹۱	بیانگری هیجانی	X6
۰/۸۱۶	۰/۷۳۲	×× ۰/۵۱۹	۰/۰۵۱	۰/۵۳۴	۰/۶۳۵	۰/۵۸۴	۰/۴۸۷	۰/۰۳۹	-۰/۴۰۸	حساسیت هیجانی	X7
۱/۱۲۲	۱/۰۴۷	۰/۴۰۶	۰/۰۴۵	۰/۴۸۷	۱/۱۴۷	۱/۰۷۵	۰/۳۸۱	۰/۰۴۱	-۰/۴۴۴	کنترل هیجانی	X8
-	-		-	-	-۰/۳۴۹	-۰/۳۶۰	۰/۳۲۸	۰/۰۰۶	۰/۰۷۵	بیانگری اجتماعی	X9
-	-		-	-	۱/۰۰۳	۰/۹۶۸	۰/۲۵۰	۰/۰۲۰	۰/۲۰۵	حساسیت اجتماعی	X10
-	-		-	-	۱/۱۴۹	۱/۱۳۷	۰/۱۲۲	۰/۰۰۷	۰/۰۷۰	کنترل اجتماعی	X11

بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای...

ادامه جدول ۴. جدول ضرایب استاندارد شده، غیراستاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز به روش همزمان و گام به گام

تابع										پیش‌بینها	
به روش گام به گام					به روش همزمان					متغیر	کد
ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز		ضرایب ساختاری	ضرایب استاندارد تابع ممیز	ضرایب استاندارد تابع ممیز	ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز		ضرایب ساختاری	ضرایب استاندارد تابع ممیز	ضرایب استاندارد تابع ممیز		
گروه عادی	گروه طلاق				گروه عادی	گروه طلاق				گروه عادی	گروه طلاق
-	-		-	-	-۰/۰۹۵	-۰/۰۶۲	-۰/۲۲۱	-۰/۰۱۶	-۰/۲۰۹	دلبستگی اضطرابی	X12
-	-		-	-	۰/۰۹۷	۰/۰۹۲		-۰/۰۰۳	۰/۰۴۴	دلبستگی اجتنابی	X13
۱/۳۵۷	۱/۶۲۱	-۰/۳۲۹	-۰/۱۶۰	-۰/۲۶۳	۲/۳۴۰	۲/۵۷۳	-۰/۳۰۹	-۰/۱۳۲	-۰/۲۱۸	تفاوت تحصیلی	X14
-			-	-	۱/۱۳۱	۱/۰۵۱	۰/۱۶۳	۰/۰۴۶	۰/۲۰۰	میزان آشنایی	X15
۰/۰۱۲	۰/۰۱	۰/۱۹۶	۰/۰۰۰	۰/۲۲۶	۰/۰۵	۰/۰۳۹		۰/۰۰۰	۰/۲۱۶	درآمد	X16
-	-		-	-	۱/۱۷۷	۱/۱۸۷	-۰/۱۶۵	-۰/۰۰۵	-۰/۰۱۹	تفاوت سنی	X17
-۱۴۶/۸۳۴	-۱۲۸/۲۴۱		-۱۱/۲۵۶	-	-۲۳۶/۶۷۲	-۲۱۴/۶۹۷		-۱۲/۴۸۷	-	عدد ثابت	-

\*\* بزرگترین همبستگی مطلق بین هر متغیر و هر تابع ممیز

\* بزرگترین همبستگی مطلق بین هر متغیر و هر تابع ممیز

روش همزمان معادله پیش‌بینی زیر به دست آمد.

$$D=y=-12/487-0/012(X1)+(0/002)(X2)-0/018(X3)-0/032(X4)-0/010(X5)+0/039(X6)+0/039(X7)+0/041(X8)+0/006(X9)+0/020(X10)+0/007(X11)-0/16(X12)+0/003(X13)-0/132(X14)+0/046(X15)+0/001(X16)-0/005(X17)$$

با توجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به روش گام به گام معادله پیش‌بینی زیر به دست می‌آید:

$$D=y=-11/256-0/014(X1)+(0/018)(X3)-0/035(X4)+0/045(X6)+0/051(X7)+0/045(X8)-0/160(X14)+0/001(X16)$$

لازم به یادآوری است که منظور از  $y$  یا  $D$  همان نمره ممیز یا پیش‌بینی شده هر زوج است. به طوری که جدول ۴ نشان می‌دهد برای هر دو روش تحلیل همزمان و گام به گام ضرایب طبقه‌بندی تابع آمده‌اند. مطابق با ستون ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز به روش تحلیل همزمان گروه طلاق در مقایسه با گروه عادی در متغیرهای شخصیتی، دلبستگی، تحصیلات و سن نمره بالاتر و در متغیرهای مهارت‌های اجتماعی، میزان آشنایی و درآمد نمره پایین‌تری را نشان می‌دهد. همین وضعیت هم برای ضرایب طبقه‌بندی به روش گام به گام برای ۸ متغیر باقی مانده در تحلیل صادق است. در جدول ۴ که به ترتیب به ضرایب

ضرایب استاندارد، ضرایب غیراستاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی متغیرهای پیش‌بین تابع ممیز در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

همان طور که از اطلاعات مندرج در جدول ۴ روشن است، برای تنها تابع ممیز، با دو روش تحلیل، چهار دسته ضرایب استاندارد، غیراستاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز ارائه شده است. همان طور که در ستون ضرایب استاندارد جدول ۴ آمده با روش تحلیل همزمان سهم متغیر کنترل هیجانی و با روش گام به گام سهم متغیر حساسیت هیجانی در تفاوت‌های گروهی از سایر متغیرها بیشتر است. با استفاده از ضرایب غیر استاندارد که در جدول ۴ آمده‌اند، معادله تابع ممیز را می‌توان به دست آورد. بنابراین، با قرار دادن نمره‌های هر زوج در تابع، نمره پیش‌بینی شده آنها به دست می‌آید. با توجه به مرکز واره نمره‌های گروه متقاضی طلاق و گروه عادی که در جدول ۲ آمدند، چنانچه نمره ممیز به دست آمده مثبت باشد پیش‌بینی می‌شود که آن زوج عادی و اگر منفی باشد پیش‌بینی می‌شود که آن زوج متعلق به گروه متقاضی طلاق باشد. با توجه به ستون ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت تابع ممیز به

نمره به دست آمده به مرکز واره نمره‌های زوج‌های عادی نزدیک‌تر باشد. پیش‌بینی می‌شود که به زوج‌های عادی متعلق است و چنانچه نمره به دست آمده به مرکز واره داده‌های زوج‌های متقاضی طلاق نزدیک باشد پیش‌بینی می‌شود که به زوج‌های متقاضی طلاق متعلق باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل آماری بیانگر تأیید فرضیه پیش‌بینی موفقیت و شکست در رابطه زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی است. نتیجه به دست آمده گویای این نکته است که هر قدر تفاوت‌های ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی، تفاوت سنی و تفاوت تحصیلات زوجین بیشتر، و هر چه مهارت‌های اجتماعی، میزان آشنایی و درآمد زوجین کمتر باشد پیش‌بینی شکست در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود. و بر عکس هر قدر تفاوت‌های ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی، تفاوت سنی و تفاوت تحصیلات زوجین کمتر، و هر چه مهارت‌های اجتماعی، میزان آشنایی و درآمد زوجین بیشتر باشد موفقیت در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود.

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های نمچک و السن (۱۹۹۹)، بوچارد و همکاران (۱۹۹۹)،

ساختاری روش همزمان و گام به گام اختصاص دارد بزرگترین همبستگی مطلق بین حساسیت هیجانی و تنها تابع ممیز می‌باشد. به طوری که در جدول ۴ مشخص است به ترتیب متغیرهای حساسیت هیجانی، کنترل هیجانی، توافق، بیانگری اجتماعی، تفاوت تحصیلات، وجدانی بودن، حساسیت اجتماعی، عصبیت، دلبستگی اضطرابی، درآمد، باز بودن، تفاوت سنی، میزان آشنایی، دلبستگی اجتنابی، برون‌گرایی، کنترل اجتماعی بالاترین همبستگی را با تنها تابع ممیز با ۱۷ متغیر پیش‌بین نشان می‌دهند. همان گونه که در جدول ۴ مشخص است به ترتیب متغیرهای حساسیت هیجانی، کنترل هیجانی، توافق، بیانگری هیجانی، تفاوت تحصیلات، عصبیت، درآمد و باز بودن بالاترین همبستگی را با تنها تابع ممیز با ۸ متغیر پیش‌بین نشان می‌دهند. لازم به یادآوری است که تابع ممیز ممکن است برای تعیین متغیری که بیشترین ارتباط را با آن دارد نامگذاری شود. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۴ تنها تابع ممیز بیشترین همبستگی را با متغیر حساسیت هیجانی دارد. لذا می‌توانیم تنها تابع ممیز را به حساسیت هیجانی نامگذاری کنیم. با توجه به ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز و مقادیر همزمان و هم به روش گام به گام می‌توان دو معادله ممیز تشکیل داد و با قرار دادن نمره‌های هر زوج در دو معادله دو نمره ممیز به دست آورد. چنانچه

عملاً رابطه زناشویی موفق را فراخوانی می‌کند. مثلاً، هنگامی که از لحاظ ویژگی شخصیتی مشابه باشند، ممکن است برای همدیگر قابل پیش‌بینی‌تر باشند و همین ممکن است سؤ تفاهم، تعارض و در نهایت شکست زناشویی را به حداقل برساند.

نتایج این پژوهش همچنین با پژوهشهای فلورا و سگرین (۱۹۹۹)، ریجیو (۱۹۸۹)، برلسن و دنتن (۱۹۹۲) و فقیرپور (۱۳۸۱) همسو می‌باشد. در تبیین مطالب عنوان شده می‌توان گفت افرادی که مهارت‌های اجتماعی اثربخشی دارند شرایط روانشناختی و اجتماعی مثبتی نظیر عزت نفس بالا، حمایت اجتماعی، و لذت از اوقات فراغت با دوستان را تجربه می‌کنند و مجموعه این شرایط موجب حفظ روابط آنها با دیگران می‌شود. از طرفی، همسو با نظریه تبادل اجتماعی، نظریه رفتاری، مدل آسیب‌پذیری- فشار روانی- انطباق ازدواج و مدل شباهت در مهارت‌های اجتماعی- شناختی و مهارت‌های ارتباطی، کاملاً بدیهی است که مهارت‌های اجتماعی در شکل‌گیری و حفظ روابط بین فردی بسیار حیاتی هستند. به عبارت دیگر، زوجینی که از مهارت‌های اجتماعی بالاتری برخوردارند با تقویت تعامل‌های لذت بخش جاذبه، موفقیت و حفظ رابطه خود را افزایش می‌دهند. این نتایج و نتایج پژوهش حاضر ضرورت توجه پژوهشگران و مسئولین بهداشت روانی

کوردک (۱۹۹۳)، کوک و همکاران (۲۰۰۴)، ملازاده (۱۳۸۱) و امان الهی فرد (۱۳۸۴) همگرایی دارند. در تبیین مطالب عنوان شده می‌توان گفت که زوج‌های موفق در مقایسه با زوج‌های متقاضی طلاق تشابه شخصیتی بیشتری دارند (بتلر و نیوکامب، ۱۹۷۸). در واقع زوج‌های موفق به جای تفاوت در شخصیتشان معمولاً شباهت دارند و این شباهت در نیازها و شخصیت است که با موفقیت در رابطه زناشویی رابطه دارند و نه تکمیل آنها. با توجه به اینکه شباهت در ویژگی‌های شخصیتی با موفقیت در رابطه زناشویی رابطه دارد، ممکن است بپرسیم که چرا شباهت شخصیتی زوجین با موفقیت و تفاوت شخصیتی زوجین با شکست در رابطه زناشویی ارتباط دارد. حداقل دو امکان به نظر منطقی می‌رسد: اول همسران ممکن است شباهت در این ویژگی‌های شخصیتی را برای خوشبختی زناشویی مهم بدانند، چون شباهت باعث می‌شود که همسران احساس معتبر بودن بکنند. مفهوم یارجانی به مفهوم شباهت اساسی یا همخوانی بین همسران در بسیاری از جهات از جمله شخصیت است. شناخت شباهت‌های مهم شخصیتی توسط همسران ممکن است به این ترتیب موفقیت در رابطه زناشویی را افزایش دهد. امکان دوم این است که چیز ذاتی که در شباهت ویژگی‌های شخصیتی همسران وجود دارد این است که



وسواس و مشغولیت ذهنی بیشتری در مورد شریک خود دارند، خصمانه‌ترند و کمتر به صحبت با همدیگر می‌پردازند و در نتیجه احساس تعهد کمتری نسبت به همدیگر دارند. بنابراین، بیشتر احتمال دارد در جهت قطع این پیوند و در نهایت طلاق گام بردارند.

نتایج تحقیق حاضر همچنین با نتایج پژوهش‌های مولوی (۱۳۸۱)، کوردک (۱۹۹۳)، بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳)، صیادپور (۱۳۸۱)، لندیز (۱۹۷۵) و سری و استاو و همکاران (۱۹۸۸) هماهنگ است. قبل از ارائه تبیین یافته‌های مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی باید به این نکته مهم اشاره نمود که همسو با یافته‌های پیشین، پژوهش حاضر نیز این نکته را بیان می‌کند که مجموعه عوامل خطر ساز جمعیت شناختی (نظیر تفاوت تحصیلات زوجین، میزان آشنایی پایین زوجین پیش از ازدواج، درآمد کم و تفاوت سنی) را باید نماینده یک فقدان عمومی آمادگی یا عدم شایستگی زوجین برای ایفای نقش‌های زناشویی یا حل تعارض بین فردی تلقی کرد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که متغیرهای جمعیت شناختی به همان خوبی متغیرهای دیگر در پیش‌بینی شکست رابطه زناشویی عمل کرده‌اند. بنابراین، می‌توان این تصور غالب روانشناسان را که می‌گویند متغیرهای جمعیت شناختی در پژوهش‌ها مراحمند و باید کنترل شوند، به راحتی به

خانواده را بر آموزش‌های پیش از ازدواج که بر مهارت‌های ارتباطی تأکید دارند بیش از پیش جلب می‌نماید.

نتایج این پژوهش نیز با پژوهش‌های رضازاده (۱۳۸۱)، سن چاک و لئونارد (۱۹۹۱)، پیستول (۱۹۸۹) و بشارت (۲۰۰۳) همگرایی دارند. در تبیین مطالب عنوان شده می‌توان گفت که یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش‌های قبلی همسان نظریه دلبستگی بزرگسالانند. به عبارت دیگر، دلبستگی نظامی است که خود را در روابط عاشقانه بزرگسالی بروز می‌دهد (هزن و شیور، ۱۹۸۷) و مفهوم دلبستگی به همسر، برای زنان و شوهران جزء پاداش‌های ازدواج قلمداد می‌شود (دنوان و جکسون، ۱۹۹۰). در یک رابطه زناشویی زن و شوهری که دارای سبک دلبسته ایمن باشند و از نظر این نوع سبک دلبستگی تفاوت کمتری داشته باشند بیشتر احتمال دارد که همدیگر را دوست داشته باشند، خوش مشرب باشند، درماندگی خود را اعلام کنند، تقاضای حمایت کنند و به نحو سازنده‌ای احساسات منفی خود را در حل مسأله تعدیل کنند و در نهایت در حفظ روابط طولانی کوشش بیشتری به عمل آورند. بر عکس، زوجینی که دارای سبک دلبستگی مخالف هم هستند (ایمن و نایمن) کمتر به همدیگر اعتماد دارند، کمتر به ارضای نیازهای اساسی همدیگر از جمله آرامش، مراقبت و کامرواسازی جنسی توجه دارند،

جمعیت شناختی می‌توان موفقیت یا شکست در رابطه زناشویی را پیش‌بینی نمود و بر اساس این مدل می‌توان یک الگوی پیش‌گیری از ازدواجهای ناموفق و یا اصلاح نارسائیه‌ها را در عملکرد زناشویی تدارک دید. همان‌طور که از نتایج این پژوهش مشخص است مهارت‌های اجتماعی در مدل حاضر دارای نقش اصلی قلمداد می‌شود و بر این اساس یک رابطه دو سویه بین سطح مهارت‌های اجتماعی و کیفیت بازده زناشویی وجود دارد. بنابراین، در آمادگی زوجین برای ازدواج و نیز کمک به زوجین برای آمادگی و مواجهه با مسائل ازدواج نباید قلمرو با اهمیت آموزش مهارت‌های ارتباطی را از نظر دور داشت. با داشتن مدلی کارآمد که بر اساس آن بتوان ارزیابی‌های شخصیتی، ارتباطی، دلبستگی، و متغیرهای جمعیت شناختی را پیش از ازدواج پیش‌بینی نمود اثربخشی درمان و مداخله افزایش می‌یابد. متخصصین زوج درمانی با به کارگیری این مدل می‌توانند عوامل علی و مسیره‌های نفوذ را مجزا و مشخص کنند و از این طریق اثربخشی درمان خود را افزایش دهند.

چالش گرفت و در صحت آن تردید نمود. در خصوص تبیین نتایج پژوهش حاضر در خصوص متغیرهای جمعیت‌شناختی استدلال‌های متنوعی می‌توان مطرح کرد. زوجیهایی که تحصیلات خوبی ندارند یا تفاوت تحصیلی آنان قابل توجه است، میزان آشنایی آنها از همدیگر کم است، بیکارند یا درآمد خوبی ندارند، و تفاوت سنی بالا دارند، در خطر انحلال رابطه زناشویی بیشتری هستند، چه این افراد خوب مجهز نیستند که نقش‌های زناشویی را ایفا کنند، نمی‌توانند در مقابل تغییرات فشارزای زندگی به خوبی عمل کنند، بلوغ عاطفی کمتری دارند، عملکرد شغلی آنها پایین است، کمتر در دسترس هم‌اند، کمتر از بودن با یکدیگر لذت می‌برند و کمتر برای همدیگر جاذبه دارند. همچنین، همسو با نظریه تبادل اجتماعی، نظریه رفتاری و مدل آسیب‌پذیری- فشار روانی- انطباق ازدواج، افرادی که جاذبه کمتری برای هم دارند و کمتر برای هم تقویت‌کننده‌اند و با آسیب‌پذیری‌های پایدار (نظیر درآمد پایین، تحصیلات پایین...) وارد صحنه زناشویی می‌شوند بیشتر احتمال دارد با شکست در رابطه زناشویی مواجه شوند.

به طوری که عنوان شد مدل پژوهش مورد تأیید قرار گرفت و به عبارت دیگر از روی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی، و ویژگی‌های

## منابع

### فارسی

- امان الهی فرد، عباس (۱۳۸۴). بررسی رابطه ویژگیهای شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز .
- بنی جمالی، شکوه السادات، نفیسی، غلامرضا، نیروی، سیده منور (۱۳۸۳). ریشه‌یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگیهای روانی- اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال یازدهم، شماره‌های ۱ و ۲، صص: ۱۷۰-۱۴۳ .
- حق‌شناس، حسن (۱۳۷۸). هنجاریابی آزمون شخصیتی نئو، فرم تجدیدنظر شده. مجله اندیشه و رفتار، سال چهارم، شماره ۲ .
- رضازاده، محمدرضا (۱۳۸۱). رابطه سبکهای دلبستگی و مهارتهای ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان شهر تهران. پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران .
- زارعی، اقبال (۱۳۸۲). مقایسه نیازهای اساسی، خلاقیت، ویژگیهای شخصیتی و سلامت روان هنرمندان هر یک از رشته‌های شعر و ادب، نمایش، موسیقی و هنرهای تجسمی با افراد غیرهنرمند در شهرستان اهواز. پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه شهید چمران: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی .
- سالنامه آماری خوزستان (۱۳۸۲). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان .
- سالنامه آماری کشور (۱۳۸۰). دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور .
- شفیعیان، رامین (۱۳۸۲). رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شهر شیراز. مجله اندیشه و رفتار، دور ۸، شماره ۴، صص: ۵۷، ۶۳ .
- صیادپور، زهره (۱۳۸۱). بررسی تأثیر میزان آشنایی پیش از ازدواج بر میزان رضایت از ازدواج، مجله علوم روانشناختی، دوره اول، شماره ۴، تابستان .
- عباسی سرچشمه، ابوالفضل (۱۳۸۴). بررسی رابطه ساده و چندگانه نگرش مذهبی، خوشبینی و سبکهای دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی .

مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

---

فقیرپور، منصور (۱۳۸۱). نقش مهارت‌های اجتماعی در سازگاری زناشویی و طراحی یک مدل آموزشی و ارزشیابی آن. پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران .

کیهان‌نیا، ا. (۱۳۷۵). زن امروز، مرد دیروز، تحلیلی بر اختلافات زناشویی، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان .

مظاهری، محمدعلی (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش وری ازدواج. مجله روانشناسی ۱۵، سال چهارم، شماره ۳ .

مولوی، حسین (۱۳۸۱). شناسایی عوامل خطر در ازدواج، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). سال دوازدهم، شماره ۴۲، تابستان .

لاتین